

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دیپلماسی انرژی و منافع جمهوری اسلامی ایران  
ویژه مدیران و کارشناسان

ارائه دهنده:

دکتر منصور معظمی

۹۲/۶/۱۳

## مقدمه

○ یکی از مهمترین چالش‌هایی که در طول تاریخ ، همواره پیشروی جوامع بشری بوده و امروزه نیز بعنوان مهمترین عنصر اثرگذار بر توسعه اقتصادی، سیاسی، حتی اجتماعی کلیه کشورهای جهان محسوب می‌شود تامین انرژی است.

○ محدودیت منابع انرژی‌های فسیلی و تجدید ناپذیر از یک سو و افزایش جمعیت جهان که افزایش مصرف انرژی را بدنبال دارد از سوی دیگر موجب شده تنازعات بین‌المللی با محوریت تامین انرژی هم در حوزه عرضه و هم در حوزه تقاضا شدت گیرد. شدت تنازعات بحدی است که در دامنه این دو حوزه فضاهای چالشی دیگری همچون ترانزیت ، قیمت گذاری ، سرمایه گذاری و ... نیز پدید آمده است.

○ انرژی همواره یکی از فاکتورهای مهم بقای جامعه بین‌المللی بوده. هست و خواهد بود لیکن اهمیت آن در دهه‌های اخیر به حدی رسیده که برخی قدرتهای بین‌المللی زیاده خواه را ناگزیر از دخالت در امور داخلی سایرکشورها بویژه کشورهای نفتی خاورمیانه و خلیج فارس نموده و همانگونه که در فرمایشات روشنگرانه مقام معظم رهبری نیز بارها به وضوح مشاهده شده است هدف اصلی استکبار جهانی از محدود سازی توان ملی و بین‌المللی کشورهای منطقه نیز ریشه در مباحث مرتبط با انرژی دارد.

○ اما آخرین تصویر از وضعیت انرژی جهان گویای چیست؟

## انرژی جهان در یک نگاه



### ذخایر اثبات شده نفت جهان به تفکیک منطقه (میلیارد بشکه)

سهم از کل جهان	2012	2011	2010	2009	2008	سال منطقه
48.4%	807.7	797.9	765.9	753.1	753.7	خاورمیانه
19.7%	328.4	326.9	324.2	237.0	198.3	آمریکای جنوبی و مرکزی
13.2%	220.2	221.0	221.9	218.6	216.5	آمریکای شمالی
8.4%	140.8	140.3	138.0	138.0	137.2	اروپا و اوراسیا
7.8%	130.3	126.6	125.0	122.6	119.9	افریقا
2.5%	41.5	41.4	41.7	40.8	42.4	آسیا - پاسفیک
۷۲.۶٪	۱۲۱۱.۹	۱۱۹۹.۰	۱۱۶۳.۳	۱۰۶۴.۶	۱۰۲۴.۴	اوپک
100 %	۱۶۶۸.۹	۱۶۵۴.۱	۱۶۱۶.۷	۱۵۱۰.۱	۱۴۶۸.۱	جهان

## ده کشور برتر دارنده ذخایر اثبات شده نفت (میلیارد بشکه)

سهم از کل ذخایر جهانی	2012	2011	2010	2009	2008	سال کشور
17.8%	297.6	297.6	296.5	211.2	172.3	ونزوئلا
15.9%	265.9	265.4	264.5	264.6	264.1	عربستان سعودی
10.4%	173.9	174.6	175.2	175.9	176.3	کانادا
9.4%	157.0	154.6	151.2	137.0	137.6	ایران
9.0%	150.0	143.1	115.0	115.0	115.0	عراق
6.1%	101.5	101.5	101.5	101.5	101.5	کویت
5.9%	97.8	97.8	97.8	97.8	97.8	امارات
5.2%	87.2	87.1	85.1	85.2	84.1	روسیه
2.9%	48.0	48.0	47.1	46.4	44.3	لیبی
2.2%	37.2	37.2	37.2	37.2	37.2	نیجریه

## تولید جهانی نفت به تفکیک منطقه (هزار بشکه در روز)

سهم از کل تولید جهانی	2012	2011	2010	2009	2008	سال منطقه
17.5%	15557	14335	13843	13444	13156	آمریکای شمالی
9.2%	7359	7449	7367	7353	7395	آمریکای جنوبی و مرکزی
20.3%	17211	17451	17755	17817	17630	اروپا و اوراسیا
32.5%	28270	27988	25763	24728	26415	خاورمیانه
10.9%	9442	8742	10123	9848	10226	آفریقا
9.6%	8313	8246	8420	8071	8111	آسیا - پاسفیک
100.0%	86152	84210	83272	81261	82932	جهان
43.2%	37405	35954	35097	33977	36279	اوپک

\* Includes crude oil, shale oil, oil sands and NGLs

## ده کشور برتر تولید کننده نفت در جهان (هزار بشکه در روز)

سهم از کل تولید جهانی	2012	2011	2010	2009	2008	سال کشور
13.3%	11530	11144	10075	9663	10663	عربستان سعودی
12.8%	10643	10510	10365	10139	9950	روسیه
9.6%	8905	7868	7552	7263	6783	آمریکا
5.0%	4155	4074	4077	3805	3814	چین
4.4%	3741	3526	3332	3202	3207	کانادا
4.2%	3680	4358	4356	4249	4396	ایران
3.7%	3380	3319	2895	2723	3026	امارات
3.7%	3127	2880	2536	2511	2786	کویت
3.7%	3115	2801	2490	2452	2428	عراق
3.5%	2911	2940	2959	2978	3165	مکزیک

\* Includes crude oil, shale oil, oil sands and NGLs

## مصرف جهانی نفت به تفکیک منطقه (هزار بشکه در روز)

سهم از کل جهان	2012	2011	2010	2009	2008	سال منطقه
24.6%	23040	23397	23464	22959	23860	آمریکای شمالی
7.3%	6533	6405	6222	5921	5892	آمریکای جنوبی و مرکزی
21.3%	18543	18974	19057	19149	20017	اروپا و اوراسیا
9.1%	8354	7992	7861	7526	7185	خاورمیانه
4.0%	3523	3359	3463	3302	3218	آفریقا
33.6%	29781	28754	27766	26205	25881	آسیا - پاسفیک
100.0%	89774	88879	87833	85064	86052	جهان

## ده کشور برتر مصرف کننده نفت در جهان (هزار بشکه در روز)

سهم از کل جهان	2012	2011	2010	2009	2008	سال کشور
19.8%	18555	18949	19134	18769	19490	آمریکا
11.7%	10221	9750	9272	8229	7947	چین
5.3%	4714	4465	4473	4429	4882	ژاپن
4.2%	3652	3488	3319	3237	3077	هند
3.6%	3174	3089	2892	2772	2862	روسیه
3.1%	2935	2835	2790	2592	2378	عربستان سعودی
3.0%	2805	2740	2676	2467	2439	برزیل
2.6%	2458	2394	2370	2339	2308	کره جنوبی
2.5%	2412	2404	2316	2195	2315	کانادا
2.7%	2358	2369	2445	2409	2502	آلمان

## ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان به تفکیک منطقه (تریلیون متر مکعب)

سهم از کل جهان	2012	2011	2010	2009	2008	سال منطقه
5.8%	10.8	11.2	11.0	9.8	9.0	آمریکای شمالی
4.1%	7.6	7.5	7.5	7.0	7.4	آمریکای جنوبی و مرکزی
31.2%	58.4	58.4	49.8	47.3	46.8	اروپا و اوراسیا
43.0%	80.5	80.4	79.3	75.9	75.4	خاورمیانه
7.7%	14.5	14.7	14.6	14.8	14.7	آفریقا
8.2%	15.5	15.5	15.0	15.2	16.3	آسیا - پاسفیک
100.0%	187.3	187.8	177.3	170.0	169.7	جهان

## ده کشور برتر دارنده ذخایر اثبات شده گاز طبیعی (تریلیون متر مکعب)

کشور	سال	2008	2009	2010	2011	2012	سهم از کل جهان
ایران		29.6	29.6	33.1	33.6	33.6	18.0%
روسیه		30.4	31.1	31.1	32.9	32.9	17.6%
قطر		25.4	25.3	25.0	25.0	25.1	13.4%
ترکمنستان		7.3	7.3	10.2	17.5	17.5	9.3%
آمریکا		6.9	7.7	8.6	8.8	8.5	4.5%
عربستان سعودی		7.6	7.9	8.0	8.2	8.2	4.4%
امارات		6.1	6.1	6.1	6.1	6.1	3.3%
ونزوئلا		5.0	5.1	5.5	5.5	5.6	3.0%
نیجریه		5.3	5.3	5.1	5.2	5.2	2.8%
الجزایر		4.5	4.5	4.5	4.5	4.5	2.4%

## تولید جهانی گاز طبیعی به تفکیک منطقه (میلیارد متر مکعب در سال)

سال منطقه	2008	2009	2010	2011	2012	سهم از کل جهان
آمریکای شمالی	800.8	807.4	821.1	866.5	896.4	26.8%
آمریکای جنوبی و مرکزی	160.4	155.9	166.6	171.5	177.3	5.3%
اروپا و اوراسیا	1079.3	958.8	1031.2	1039.9	1035.4	30.7%
خاورمیانه	384.2	407.3	472.7	518.7	548.4	16.3%
آفریقا	212.2	200.4	214.3	211.2	216.2	6.4%
آسیا - پاسفیک	417.1	439.6	486.5	483.6	490.2	14.5%
جهان	3054.0	2969.3	3192.3	3291.3	3363.9	100.0%

## ده کشور برتر تولیدکننده گاز طبیعی در جهان (میلیارد متر مکعب در سال)

سال کشور	2008	2009	2010	2011	2012	سهم از کل جهان
آمریکا	570.8	584.0	603.6	648.5	681.4	20.4%
روسیه	601.7	527.7	588.9	607.0	592.3	17.6%
ایران	116.3	131.2	146.2	151.8	160.5	4.8%
قطر	77.0	89.3	116.7	145.3	157.0	4.7%
کانادا	176.6	164.0	159.9	159.7	156.5	4.6%
نروژ	99.3	104.8	107.7	101.7	114.9	3.4%
چین	80.3	85.3	94.8	102.7	107.2	3.2%
عربستان سعودی	80.4	78.5	87.7	92.3	102.8	3.0%
الجزایر	85.8	79.6	80.4	82.7	81.5	2.4%
اندونزی	69.7	71.9	82.0	75.9	71.1	2.1%

## مصرف جهانی گاز طبیعی به تفکیک منطقه (میلیارد متر مکعب در سال)

سال منطقه	2008	2009	2010	2011	2012	سهم از کل جهان
آمریکای شمالی	821.5	816.1	849.6	868.0	906.5	27.5%
آمریکای جنوبی و مرکزی	140.9	136.8	152.2	156.4	165.1	5.0%
اروپا و اوراسیا	1136.3	1049.5	1129.6	1105.8	1083.3	32.6%
خاورمیانه	331.9	344.6	376.8	394.7	411.8	12.4%
افریقا	100.8	100.1	107.8	114.0	122.8	3.7%
آسیا - پاسفیک	480.0	496.7	560.4	593.6	625.0	18.8%



## ده کشور برتر مصرف کننده گاز طبیعی در جهان (میلیارد متر مکعب در سال)

سهم از کل جهان	2012	2011	2010	2009	2008	سال کشور
21.9%	722.1	690.5	682.1	648.7	659.1	آمریکا
12.5%	416.2	424.6	414.1	389.6	416.0	روسیه
4.7%	156.1	153.5	144.6	131.4	119.3	ایران
4.3%	143.8	130.5	106.9	89.5	81.3	چین
3.5%	116.7	105.5	94.5	87.4	93.7	ژاپن
3.1%	102.8	92.3	87.7	78.5	80.4	عربستان سعودی
3.0%	100.7	100.9	95.0	94.9	96.1	کانادا
2.5%	83.7	76.6	72.5	72.4	66.3	مکزیک
2.4%	78.3	82.8	99.2	91.2	99.3	انگلستان
2.3%	75.2	74.5	83.3	78.0	81.2	آلمان

## سیاست و اقتصاد



- شناخت مسائل بین المللی بدون درک روشن چگونگی ارتباط سیاست و اقتصاد بسیار دشوار و شاید ناممکن باشد. سیاست قدرت را و اقتصاد پول و تولید را در نظر می گیرد.
- اما رویدادهای سیاسی و واقعیات موجود در صحنه بین الملل نشان داده که پول و سود و قدرت به یکدیگر گره خورده اند.
- سرشت و قلمرو مشارکت یک کشور در اقتصاد جهانی از تصمیمات سیاسی که در داخل مرزهای آن گرفته می شود به شدت متأثر است.
- وجوه سیاسی این تصمیم گیری اغلب تحت تاثیر این واقعیت قرار دارد که گروه های مختلف از مشارکت در اقتصاد جهانی به انحاء مختلف تاثیر می پذیرند. برخی گروه ها منتفع می شوند در حالی که سایرین در شرایط نامناسبی قرار می گیرند و همین امر باعث بروز کشمکش سیاسی برسر این می شود که چه باید کرد.

- مالیاتها، نرخ های بهره، تصمیمات مربوط به تعرفه ها و مذاکرات اقتصادی با سایر دولتها تنها نمونه هایی از گزینه های مطرح در این روند هستند. حاصل کار، برآیند دو مولفه است :
- روابط قدرت و منافع گروههای مربوط
- میزان استقلال عمل رهبران دولتی از این گروهها.
- شکل کلی تر این فرایند را در چگونگی ارتباط دولتها و گروه های با نفوذ تجاری خصوصی در تصمیم گیری های اقتصادی می توان دید که از دیرباز مطرح بوده است. در کشورهای سرمایه داری غرب، تجربه رکود و جنگ از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۵۰ باعث سیاسی شدن گزینه های اقتصادی و متمرکز شدن تصمیم گیریهای اقتصادی در دست حکومتهای ملی شد.

## منافع ملی

- منافع عالیه
- منافع حیاتی
- منافع راهبردی
- منافع تاکتیکی



### • منافع عالیه

به وضوح می توان گفت، بقای کشور و سیاستی که در این راستا به وجود می آید ، ابزاری برای مبارزه با دغدغه های تهدید کننده آن است . یک کشور به قیمت دیگر منافع و با استفاده از تمامی ابزارها و منابعی که در اختیار دارد از موجودیت مستقل ( استقلال ) خود دفاع خواهد کرد . مردم یک کشور ، به هر قیمت و با صرف هر هزینه ای ، از هویت فرهنگی و قومی خود دفاع خواهند کرد. بقا، منفعت عالیه ملی است . و به چالش طلبیدن بقا یک کشور ، می تواند به جنگ منجر شود .



### • منافع حیاتی

- برخی مسایل و رویدادها ، بقای یک کشور را تهدید نمی کند ، ولی با این وجود منافع حیاتی آن یعنی: امنیت، رفاه و آرامش داخلی را با چالش مواجه می کند . لفظ حیاتی از آن جهت به این منافع اطلاق شده که آنها اهدافی هستند که دولت برای بر آورده ساختن آنها ایجاد و توسط مردم حفظ شده است .
- یک کشور حاضر خواهد شد برای حفظ منافع حیاتی خود ، بسیاری از منافع کم اهمیت تر خود را قربانی کرده ، صدمات سنگینی را در جنگ متحمل شود . در صورتی که به این نتیجه برسد با این اقدام خود، منفعت عالی خود را که بقای کشور است ، بی جهت به مخاطره نمی اندازد . منافع حیاتی یک کشور شامل دفاع از یکپارچگی درون مرزهای امن ، تضمین مزایای راهبردی و حفظ آن در مقابل مداخله دیگر کشورها در امور داخلی آن ، است . یک کشور با استفاده از دیپلمات ها و نیروی نظامی خود می تواند به سرعت نسبت به خنثی کردن تهدیداتی که منافع حیاتی آن را به خطر می اندازد یا مغتنم شمردن فرصت ها برای پیشبرد این منافع اقدام کند و این ، اصلی ترین منبع الهام منطق دولت است.

### • منافع راهبردی

- منافع راهبردی از مسائل و رویدادهایی منبعت می شوند که به طور مستقیم بر امنیت کشور ، رفاه و آرامش داخلی تاثیر نمی گذارند ، اما چنانکه توجهی به آنها نشود ، پتانسیل لازم برای تاثیر گذاری مستقیم بر منافع حیاتی یا توانایی پیشبرد یا دفاع از آن را دارند. منافع راهبردی شامل آنهایی است که در نتیجه قوی یا ضعیف شدن رقبا یا هم پیمانان به تغییر در ترتیبات بین المللی و الگوهای نفوذ ، کشف منابع و فناوری های جدید ، تغییر در جایگاه نظام بین المللی دولت و رژیم های نظارتی که درون آن ایجاد شده است پیدایش الگوهای جدید توسعه اقتصادی و تجارت و نیز دکترین ها و ایدئولوژیهای جدید و به چالش طلبیده شدن جایگاه و رفتار شهروندان و دارایی های خارجی آنها ناشی می شود . سیاستمداری یا کیاست سیاسی ، یعنی جایگزین کردن متناوب تمایلات راهبردی و ترسیم محتاطانه سیاستهایی که موجب پیشبرد این گرایشات یا متعادل ساختن و کاستن از آثار مضر آن می شود . چنین سیاست هایی میتواند شامل تحرکات نظامی ، مانور و عملیاتی غیر از جنگ باشد . در مقابل یک کشور اغلب دیپلماسی نافذ، جدای از نیرنگ با استفاده از زور ، را برای تامین منافع راهبردی خود کم هزینه تر می یابد.

### منافع تاکتیکی

منافع تاکتیکی در نتیجه طیف گسترده ای از اقدامات یک کشور و شهروندان آن در خارج از مرزهای آن کشور، به وجود می آید. منافع تاکتیکی می تواند شامل نمونه هایی از نقض هنجارهای پذیرفته شده بین المللی یا چند جانبه مورد استفاده در تجارت، امور مالی، مسافرت و دیگر فعالیت های شرکت های خصوصی یا شهروندان مقیم خارج، احترام خارجی به قانون های ملی، نهادها، مرزها، فعالیت بین المللی، کشتی ها و هواپیما ها، جایگاه دیپلمات ها، افسران نظامی، دارایی های دولت، ارتباطات بین دولت ها و مردمان و یا احترام به حاکمیت و اعتبار ملی باشد. دفاع از این منافع تارو پودی هستند که مسیر عادی دیپلماسی از آن بافته شده است.



### تعاریف، متغیرها و مولفه های دیپلماسی



#### ○ دیپلماسی در بیان نیکلسون:

- گاهی به معنای مذاکره (Negociation) تعریف شده است، برای مثال می گویند مسائل اختلاف انگیز مرزی در کشور همسایه را می توان از راه دیپلماسی حل و فصل کرد. در این رابطه دیپلماسی دال بر روش ها و سازو کارهایی است که به وسیله آن مذاکره به عمل می آید؛

#### ○ دیپلماسی در بیان آکسفورد:

- دیپلماسی اداره روابط بین الملل است از راه مذاکره.
- روش اداره روابط بین الملل از مجرای ارگانهای رسمی.
- شغل و منصب دیپلمات - کاربر
- کاردانی و مهارت در پیشبرد مذاکرات.



#### ▪ سایر تعاریف

- گاهی معادل سیاست خارجی است: چنانچه می گویند دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در قبال تعیین رژیم دریای خزر واضح و روشن نیست؛
- گاهی به مفهوم بخشی از امور خارجی هر دولت تعبیر می شود، چنانچه میگویند: فلان شخص در دیپلماسی خدمت می کند ، یعنی در وزارت امور خارجه به کار مشغول است؛
- گاهی به معنای صفت و قریحه های ذاتی و مطلق است که به دیپلمات نسبت می دهند که در جنبه مثبت آن مهارت و زرنگی دیپلمات در پیشبرد مذاکرات منظور است و در مفهوم ناپسند آن نوعی حيله، مکر و شیادی فرد مورد توجه قرار دارد.



### متغیرها و مولفه های موثر در شکل گیری دیپلماسی

- ✓ برداشت های مربوط به منافع ملی که جهت گیری و هدف های دیپلماتیک را تعیین می کنند؛
- ✓ ارزش های حاکم بر یک کشور که تار و پود و مبنای دیپلماسی را تشکیل می دهد؛
- ✓ فشارهای محیطی که هم در شکل گیری دیپلماسی موثر است و هم می تواند منجر به پیروزی یا شکست دیپلماسی کشورها شود؛
- ✓ قدرت و بامیزان امکانات و محدودیت ها که از نظر کلاسیک از عناصری چون جمعیت، منابع طبیعی، جغرافیا، نیروی نظامی و ایدئولوژی هریک از کشورها تشکیل می شود؛
- ✓ ساختار سیاسی، میزان مشارکت عمومی و وحدت و یکپارچگی ملی نیز در برآیند دیپلماسی نقش داند؛
- ✓ دستگاه عامل سیاست خارجی و دیپلماسی یک کشور که به ناچار به نظام تصمیم گیری مورد استفاده در آن کشور وابسته است؛
- ✓ ماهیت نظام بین الملل؛ خط مشی واحدهای دیگر، عکس العمل محیط بیرونی و خصوصیات و توانایی های مجریان سیاست خارجی، همگی در شکل گیری دیپلماسی دولت ها موثرند.

## سیر تکامل دیپلماسی

### عصر دیپلماسی کلاسیک

- این عصر با انعقاد عهدنامه وین به سال ۱۸۱۵ شروع می شود، که در این مرحله فصل جدیدی در روابط دیپلماتیک کشورهای اروپایی گشوده شد. در حقیقت در کنگره وین سعی شد که ضربات وارده بر عرف و سنن روابط سیاسی بین دول که از راه خانواده های حاکم اروپایی صورت گرفته بود، تا حدودی ترمیم و در قواره و چارچوب معقولی احیا شود، در این زمان ترکیه عثمانی نیز به خانواده جامعه اروپایی افزوده شده بود.
- کنگره وین بعد از سقوط ناپلئون و خاتمه جنگ و انعقاد عهدنامه صلح در ژوئن ۱۸۱۴ تشکیل و تا اکتبر ۱۸۱۵ ادامه یافت. در این کنگره چهار دولت بزرگ آن زمان یعنی اطریش، انگلستان، روسیه و پروس و دول فرانسه، پرتغال و سوئد که عهدنامه را امضا کرده بودند و دیگر دول اروپایی امضا کنند، عهد نامه شرکت داشتند



### ظهور دیپلماسی نوین : (سده بیستم)

- در بررسی تاریخی استعمار اروپایی در آسیا، می توان به این نتیجه دست یافت که یکی از علل عمده ای که به دول استعمارگر اروپایی در سده نوزدهم امکان تاخت و تاز در میدانی به وسعت آسیا می داد، همانا امتناع از دخالت در امور اروپا (براساس دکترین مونروئه ۱۸۲۳) از یک سو و ضعف نسبی کشورهای عمده آسیایی چون ایران، چین و ژاپن از سوی دیگر بود. در این دوره رویدادها و وقایع خاور دور، چیزی جز تصویری از انعکاس اعمال دیپلماسی اروپا نبود. اما این وضعیت در اواخر سده نوزدهم به دلائلی دستخوش تغییرات بنیادی شد.





### ▪ دیپلماسی چند جانبه در عصر حاضر

- الگوهای دو جانبه روابط دیپلماتیک در سده هیجدهم برای نخستین بار راه را برای تشکیل گردهمایی های چندجانبه موقت و بعدها برای ایجاد سازمان های چند جانبه دائمی دیپلماتیک و فنی باز کرد.
- تا اواخر سده نوزدهم اکثر کنفرانس های چند جانبه به مسائل صلح در پی جنگ های مهم اروپا می پرداختند، اما پس از جنگ ۱۸۷۱-۱۸۷۰ فرانسه، حکومت ها شروع به اعزام هیات های نمایندگی به گردهمایی هایی کردند که به تدوین حقوق بین الملل می پرداختند. [گردهمایی لاهه، ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷]

## تکنیکهای دیپلماسی

در آغاز سده بیستم سیاستمداران می کوشیدند بر اساس شیوه جدیدی که دولت های اروپایی اتخاذ کرده بودند، گفت و گوها قبل از رسیدن به توافق نهایی تا حد امکان محرمانه بماند، تا آنجا که دیپلماسی در بستر آرام و دور از آگاهی مردمی که قرار هاو توافق ها باسرنوشت آنها بازی می کرد و بدون اطلاع قوه مقننه و قضاییه و تنها بدست ماموران قوه مجریه در اطاق های در بسته به جریان افتد. بنابراین مذاکره کنندگان به اتکای قدرت اجرایی دولت ها یکه تا ز مذاکرات سیاسی شدند.

اما امروزه دیپلماسی غرب تشکیل شده است از شیوه های  
 ✓ زیرکانه، فریب، نیرنگ، دسیسه، توطئه های گوناگون  
 ✓ تهدید  
 ✓ مداخله گری  
 ✓ سوء استفاده از نقطه ضعف ها و اتکای به قدرت، تطمیع،  
 ✓ حمایت های صوری و موسمی،  
 ✓ وعده کمک های به اصطلاح اقتصادی،  
 ✓ تحقیق و ایجاد خوش بینی،  
 ✓ دفاع از حقوق بشر و دموکراسی و بهره گیری از امکانات وسیع وبه ظاهر  
 قانونی سازمان ملل متحد،  
 ✓ تکیه بر وسایل پیچیده تجسس و مدرنترین ابزار الکترونیکی  
 ✓ جاسوسی وبالاخره تجارب وسیع به دست آمده از چندین سده دیپلماسی  
 استعماری که همه و همه در پوشش مذاکرات و ارتباطات مسالمت آمیز  
 دنبال میشود

دیپلماسی استعماری بلوک شرق نیز تاچندی پیش و در دوران جنگ سرد طی نیم سده دارای این خصوصیات بود:

- تزویر و ریا چنانکه استالین می گفت: دیپلماسی بی تزویر و ریا، چیزی است شبیه آب خشک و یا آهن چوبی؛
- بلوف و تهدید و اظهارات بی مبنا و پایه و غیر جدی چنانچه خروشچف می گفت که تهدیدش در سال ۱۹۵۶ در برابر انگلیس و فرانسه و اسرائیل در جریان بحران کانال سوئز و نیز در جریان بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲ جدی نبوده است؛
- تحمیل خود به طرف مقابل و اتخاذ رفتار آمرانه و حاکمانه، که استالین آن را نوعی تسلط و برتری اخلاقی می شمرد؛
- انعطاف پذیری در برابر شرایط سخت و اجتناب ناپذیر، تاجایی که همزیستی مسالمت آمیز جزئی از ایدئولوژی سازش ناپذیر تلقی می شد؛
- فرصت طلبی یا به تعبیری هنر بهره وری از فرصت های مناسب در عرصه های سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و نظامی؛
- آمیزه ای از قدرت نظامی و سیاسی که به صورت دو عنصر برابر در روابط دیپلماتیک به کار می رفت.



## کاربرد نظریه دیپلماسی



- بسیاری از متفکران و صاحب نظران در علوم سیاسی نظریه دیپلماسی را پذیرفته و آن را به عنوان شیوه منطقی در روابط خارجی به دلائل زیر ضروری دانسته اند:
- زیرا توسل به مذاکره و سایر شیوه های دیپلماتیک در عین این که می تواند بسیاری از مشکلات و اختلاف ها را در روابط خارجی ملت ها حل کرده و به روابط حسنه و همکاری دو جانبه و تبادل نظر تبدیل شود، اصولاً خود راهی در جهت اجتناب از جنگ و شیوه های دیگر تخصم است؛
- تلاش در جهت رسیدن به صلح و زندگی مشترک و مسالمت آمیز در میان ملت ها میتواند انگیزه دیگری برای ترجیح دادن شیوه های دیپلماتیک بر جنگ و مخاصمات باشد؛
- برخی نیز آرمان بشری نیل به حکومت واحد جهانی را که همواره یکی از قوی ترین عوامل گرایش ملت ها به اتحاد و اتفاق و سازمان های بین المللی بوده است، دلیل منطقی برگسترش شیوه های دیپلماسی و بهره گیری از آنها در حل مشکلات و اختلاف های موجود می دانند.



## دیپلماسی اقتصادی



- دیپلماسی اقتصادی در معنای عام خود بهره‌گیری از ابزارهای مختلف اقتصادی برای تاثیر گذاری بر رفتار طرف‌های خارجی در جهت تامین منافع ملی در سطوح دو جانبه و چند جانبه است. دیپلماسی اقتصادی در دهه‌های اخیر، به ابزاری مهم در روابط خارجی کشورها به منظور استفاده از فرصت‌های دو جانبه و چند جانبه و همچنین مزیت‌های اقتصادی جهانی در جهت تامین منافع ملی تبدیل شده است.
- دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که مبتنی بر راهبرد شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی به ویژه در بعد صادراتی به منظور استفاده از فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی جهانی است.



#### ○ اهداف دیپلماسی اقتصادی:

- ۱- دسترسی به بازارهای جهانی (global market access)
- ۲- جذب سرمایه‌های خارجی (foreign investment)
- ۳- حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی (self-protection)



## پیدایش دیپلماسی انرژی

○ با شکل‌گیری انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم منابع انرژی‌زا بویژه ذخایر هیدروکربوری و میزان دسترسی به آنها از شاخص‌های اصلی توسعه و محور رشد اقتصادی کشورهای صنعتی شناخته شد. در قرن بیستم و همزمان با جنگ‌های جهانی، انرژی‌های جایگزین زغال سنگ یعنی نفت و انرژی هسته‌ای پیچیدگی بیشتری به تعاملات بین‌المللی بخشید و اولویت‌های استراتژیک کشورها را با گرایش به امنیت انرژی بویژه در حوزه تقاضا دستخوش تحولات بنیادین نمود. این تحولات بویژه در منطقه آسیای میانه و خلیج فارس که حاوی بیشترین ذخایر هیدروکربوری است از اهمیت بالایی برخوردار است.

## پیشینه دیپلماسی انرژی ایران



در ارتباط با دیپلماسی انرژی در ایران پژوهش و تحقیق جامعی صورت نگرفته و فقط چند مقاله انگشت شمار در این ارتباط نگاشته شده است. با توجه به این امر که تدوین دیپلماسی انرژی برای ایران یک امر ضروری و حیاتی می باشد هرگونه اقدام پژوهشی در این زمینه می تواند با افزایش دامنه آگاهی و توسعه مفهومی موجب غنای منابع آکادمیک این حوزه شده و به عنوان یک مکانیزم کاربردی در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی و اقتصادی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

تدوین دیپلماسی انرژی ایران به گونه ای که در پیوندی سازنده با توسعه از یک سو و سیاست خارجی به شکل بستری برای نفوذ بیشتر از دیگر سو قرار گیرد، حائز اهمیت حیاتی در تحقق چشم انداز بیست ساله می باشد.



سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران جهت گیری کلان کشور در دو دهه آینده را در مسیر توسعه برون گرا مبتنی بر تعامل سازنده با جهان معین کرده است. این به معنای ضرورت مشارکت و تعامل ایران در امور جهانی با انگیزه استفاده از امکانات خارجی برای توسعه، رفع موانع و تهدیدات بین المللی و از همه مهمتر ارائه تصویری از ایران به عنوان یک فرصت بین المللی است.

در این میان انرژی و امنیت آن، به عنوان محور و مفهوم اصلی دیپلماسی انرژی، در صورتی که با سیاست خارجی توسعه گرا پیوند بخورد، می تواند به یکی از مهمترین محمل های پیوند ایران با قدرت ها و کشورهای در حال توسعه بویژه در آسیا و اروپا تبدیل شود و کمک موثری به تحقق الزامات سند چشم انداز و توسعه کشور نماید.

در ایران در ارتباط با تصمیم سازی در حوزه انرژی بویژه دیپلماسی انرژی در برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور (سال ۱۳۸۱) به منظور تمرکز سیاست گذاری در بخش انرژی کشور تشکیل شورای عالی انرژی پیش بینی شد که این شورای عالی در مواجهه با موانع بوروکراتیک و برخی موانع ساختاری، توفیق چندانی بدست نیاورد و کل جلسات شورای عالی انرژی تنها به یک جلسه و عدم اجرای مصوبات آن منتهی شد.

این امر نشان دهنده آن است که شورای عالی انرژی با مقتضیات ناشی از اقتصاد سیاسی ایران و ضرورت های دیپلماسی انرژی در نظام اقتصاد سیاسی جهان امروز هماهنگی کاملی ندارد.



## ابعاد دیپلماسی انرژی



انتظار می‌رود دیپلماسی انرژی یک کشور موارد زیر را برگیرد:

- تعیین بازارهای هدف انرژی
- تعیین نوع حضور در بازارهای مشخص شده (کالا، خدمات و یا حامل های انرژی)
- مطالعات تعیین قیمت برای حضور در بازارهای مشخص شده به عنوان مثال دیپلماسی انرژی مشخص می کند که منافع امنیتی و سیاسی حاصل از احداث خط لوله صلح برای ایران تا چه میزان می تواند قیمت قرار داد را تعدیل کند؟



- تحلیل جذابیت و عدم جذابیت حضور در معاهدات و یا شرکت در سازمان های جهانی انرژی (نظیر اوپک و مجمع کشورهای صادر کننده گاز) و تصمیم سازی برای شرکت جستن در آن ها، به عنوان مثال دیپلماسی انرژی روسیه عدم حضور در اوپک و یا حضور موثر در مجمع کشورهای صادر کننده گاز را به این کشور دیگته می کند.
- موضع گیری در قبال تحولات جهانی بازار انرژی. به عنوان مثال موضع گیری آمریکا در مورد خط لوله باکو+ جبهان و یا موضع روسیه در مقابل احداث خط لوله نوباکو.
- ارائه راه کار برای استفاده حداکثری از موقعیت جغرافیایی در جهت تاثیر گذاری بر بازارهای جهانی انرژی به عنوان مثال کشور ترکیه در صدد است به عنوان یک پل ارتباطی میان کشورهای صادر کننده (ایران، روسیه و ناحیه دریای کاسپین) و وارد کننده گاز (اروپا) قرار گرفته و موقعیت خود را به عنوان یک مرکز انتقال گازی در جهان تثبیت کند.

- تعیین سبد حامل های انرژی صادراتی، به عنوان مثال سهم عمده سبد صادراتی انرژی در کشور روسیه نفت و گاز است. حال آن که برخی از کشورها تمایل به صدور برق دارند.
- حضور و سرمایه گذاری در زیر ساخت های انرژی سایر کشورها به عنوان مثال روسیه نه تنها صادرات انرژی به اروپا را در دست دارد بلکه سهام عمده شرکت های اصلی تولید برق و گاز این کشورها را خریداری کرده است.

• **وظایف اصلی دیپلماسی انرژی**

- جذب منابع بین المللی برای توسعه
- ایجاد و حفظ ثبات در محیط امنیتی
- تصویر سازی کشور به عنوان فرصت جمعی



**امنیت انرژی**



توزیع نامتقارن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع در ژئوپولیتیک انرژی، برخی کشورها را در جایگاه صادر کنندگان و برخی دیگر را در جایگاه وارد کنندگان عمده قرار داده است که از جانب مسائل امنیتی مرتبط با چشم انداز استراتژیک انرژی مورد ملاحظه قرار می گیرد. موضوعیت امنیتی اخیر، در ارتباط با رقابت برای بازارها و مواد خام است که متعاقب تغییری عمومی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی و به همراه تغییری در نهاد دولت ها به پیش می رود.

به واسطه در دستور کار امنیتی قرار گرفتن بخش انرژی، که تدارک امنیت را در اشکال مجزایی قابل تعقیب می سازد، از امنیت انرژی در میان کشورهای مختلف، تعاریف متفاوتی شده است. که بیشتر تعاریف حول این محور می باشد. که امنیت انرژی را عبارت از اطمینان از عرضه بسنده انرژی است که به اقتصاد ملی فرصت داده می شود که از نظر سیاسی در روالی قابل قبول کار کند.

لذا عدم وجود امنیت انرژی این گونه قابل تغییر است که وارد کنندگان با بیم هایی که درباره قیمت و دسترسی به عرضه انرژی دارند و تحت شرایطی که امنیت ملی خود را وابسته به نفت یافته اند و صادر کنندگان با نگرانی شان درباره حاکمیت و بازارهای خارجی، با مشکلات قابل مقایسه قطع تقاضا و مداخله نظامی روبرو هستند. بنابراین ضرورتی مشترک برای تمام کشورها به منظور اقدام هماهنگ و همکاری بین المللی در موضوع امنیت انرژی وجود دارد.

کارکرد امنیتی وابستگی متقابل در حوزه انرژی در زمینه دیپلماسی انرژی نیز انعکاس می یابد. به ویژه از این لحاظ که از برخورد مناقشه آمیز جلوگیری می کند و یا خطر کشمکش و درگیری را کاهش می دهد اما در نبود چارچوب همکاری های بین المللی انرژی که کشمکش های در حال ظهور میان کشورها و دیگر بازیگران جهانی را ناشی از رقابت در دسترسی به بازارها و مواد خام جلوه گر می سازد، امنیت ملی با چالش مداوم روبرو است، با چنین زمینه ای در نظام اقتصاد سیاسی جهانی جنگ بر سر منابع و کنترل آنها محتمل به نظر می رسد.

- در این راستا وجوه امنیتی بخش انرژی برای تمدن سرمایه داری منجر به ارتباط آن با امور راهبردی در سیاست گذار ی کشورها شده است. در نتیجه در حالی که کشورها امنیت انرژی خود را به طور منفرد دنبال می کنند، حاصل رقابت کنترل نشده کشورها برای دستیابی به انرژی، مناقشات ژئوپولیتیک برای تسلط بر حوزه های نفت و گاز است.
- یک کشور عملاً زمانی از امنیت بیشتری برخوردار است که امکان تصرف، تخریب، یا مهار امکانات ثروت آن از طرف کشورهای دیگر کمتر باشد و این تبلور مفهوم وابستگی متقابل چند جانبه در الگوی دیپلماسی انرژی است.
- منطق جهانی شدن نیز بر این امر تاکید می کند که بطور متناسبی کشورهایی که از قدرت اقتصادی بیشتری برخوردارند توان قاعده سازی بیشتری در اختیار دارند. این استدلال در موضوع حاضر بیانگر این امر است که دیپلماسی انرژی صرف تعامل انرژی میان دو و یا چند کشور که به واسطه شبکه های انرژی به هم مرتبط شده اند، نیست، بلکه جدای از ابعاد متعارف در اقتصاد انرژی، دیپلماسی انرژی بیانگر وجهی از انرژی است که با ملاحظات امنیتی کشورها همپایه تلقی می شود.

- یکی از عواملی که مسئله امنیت انرژی را برای قدرت های بزرگ و کشورهای مصرف کننده عمده، حساس و پر اهمیت می سازد افزایش وابستگی جهانی به منابع نفت و گاز، حداقل تا آینده ای قابل پیش بینی و تاثیر آن بر اقتصاد مصرف کنندگان عمده انرژی در اکثر تعاریف ارائه شده در خصوص امنیت انرژی مشابه می باشند. مفهوم امنیت انرژی برای صادرکنندگان و مصرف کنندگان عمده انرژی متفاوت است. از منظر صادرکنندگان نفت، مفهوم امنیت انرژی به معنای داشتن بازارهایی مداوم و مطمئن با ریسک پذیری بسیار پایین به منظور عرضه نفت با قیمت های منطقی می باشد. یکی از دلایل مهم این موضع آن است که اکثر کشورهای صادر کننده نفت دارای اقتصاد تک محصولی می باشند که برنامه و بودجه های سالانه و توسعه این کشورها شدیداً به درآمدهای نفتی وابسته می باشد و هرگونه ریسک در این عرصه می تواند مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی برای این کشورها به وجود آورد.

- از منظر مصرف کنندگان، مفهوم امنیت انرژی به معنی اطمینان از دسترسی آسان به منابع نفت و گاز،
- ایجاد ثبات در مناطق صادر کننده نفت، انتقال بدون ریسک به بازارهای هدف و قیمت های مناسب می باشد. به طوری که در دراز مدت نگرانی برای تامین انرژی مورد نیاز در شرایط بحرانی وجود نداشته باشد.
- قدرت های اقتصادی بزرگ براساس شرایط داخلی خود و با توجه به شرایط بین المللی و در راستای منافع و اهداف خود، امنیت انرژی را تعریف می کنند.
- هرگونه تحول در بازار پر بازیگر انرژی با متغیرهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی در ارتباط است. امنیت انرژی در شرایط کنونی مصرف کنندگان و تولید کنندگان انرژی را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده و ضرورت تعامل و رایزنی بین آنها را فراهم نموده است.

- در شرایط کنونی، هیچ یک از این دو گروه به تنهایی نمی توانند امنیت انرژی را تامین کنند. و هرگونه بحران در بازار جهانی انرژی که اقتصاد جهانی را به چالش بکشد بر هر دو طرف تاثیر گذار خواهد بود. به بیان دیگر و بسیار مهم در روابط بازیگرانی که در وضعیت وابستگی متقابل قرار می گیرند، پیوند میان آسیب پذیری متقابل و منافع مشترک است.

## مروری بر دیپلماسی سایر کشورها



### دیپلماسی انرژی آمریکا

یکی از اصلی ترین مولفه های سیاست خارجی آمریکا در منطقه خلیج فارس، مسئله انرژی است و امنیت ملی آمریکا تا حد زیادی به امنیت جریان انرژی از این منطقه وابسته است. از ابتدای ورود آمریکا به منطقه خلیج فارس از حدود نیمه قرن بیستم، نفت نقش مهمی در سیاست ها و روابط این کشور با دولت های منطقه ایفا کرد، به گونه ای که هنوز از روابط آمریکا و عربستان سعودی به عنوان معادله نفت در برابر امنیت یاد می شود.

خلیج فارس در نیم قرن گذشته همواره یکی از اولویت های سیاست خارجی آمریکا بوده است. از جمله دلایل این امر علاوه بر مسائل مهم سیاسی از جمله مسئله فلسطین و در سال های اخیر عراق، می توان از موضوع انرژی یاد کرد. سند راهبرد امنیت ملی در آمریکا در سال ۲۰۰۶ در خصوص انرژی، تاکید می کند که قسمت اعظم انرژی در جهان از سوخت های فسیلی و به ویژه ذخایر نفتی تامین می شود با وجود اینکه ایالات متحده آمریکا سومین تولید کننده بزرگ نفت در جهان است، اما بیش از نیمی از نیازهای سوختی خود را از منابع بین المللی تامین می نماید و از آنجا که کشورهای صادر کننده نفت محدود می باشند و درصد بالایی از منابع بین المللی تامین می نماید و از آنجا که کشورهای صادر کننده نفت محدود می باشند و درصد بالایی از نفت جهان توسط این کشورها تامین می شود، لذا وابستگی جهان به این تعداد از کشورهای تامین کننده نفت مسئولانه نیست و پایدار نخواهد ماند

برای حدود نیم قرن سیاست آمریکا در خلیج فارس بر «نفت آزاد» یعنی حفظ دسترسی آزاد به نفت خلیج فارس و آزادی صادرات نفت خلیج فارس استوار بود. بر این اساس، جریان نفت این منطقه باید به طور مستمر و با ثبات حفظ می شد و ایالات متحده و سایر کشورهای صنعتی غربی به این منابع دسترسی کامل داشتند. سیاست سنتی نفت آزاد پس از ۱۱ سپتامبر و در چارچوب استراتژی امنیت ملی ایالات متحده به سیاست به اصطلاح «نفت [ برای ] آزادی» تبدیل شد. منظور از این سیاست، تغییر رژیم های مخالف ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و استفاده از درآمدهای نفتی، ظاهراً برای گسترش دموکراسی آمریکایی در منطقه بود. بدین ترتیب، دولت بوش تلاش نمود ضمن تامین امنیت انرژی آمریکا، دغدغه امنیتی ایالات متحده مبنی بر احتمال به کارگیری درآمدهای نفتی منطقه خلیج فارس برای مقاصد ضد آمریکایی را برطرف نماید.

ایالات متحده در پی توسعه نفت و گاز خزر است تا از این طریق از میزان وابستگی خود و اقتصاد جهانی به نفت خلیج فارس بکاهد. این کشور همچنین درصدد تقویت پیوندهای خود با روسیه به عنوان دومین تولید کننده و صادر کننده نفت جهان است. این مسئله پس از حوادث یازده سپتامبر و تردید در خصوص قابل اعتماد بودن تکیه بر عربستان سعودی به عنوان یک متحد پدید آمد.

به دنبال اتخاذ سیاست های فعال در قبال کشورهای تولید کننده انرژی، ایالات متحده آمریکا در بخشی از سند راهبرد امنیت ملی خود با توجه به بحث امنیت انرژی و رقابتی که در سال های اخیر برای تامین دراز مدت انرژی میان قدرت های بزرگ، به ویژه قدرت های در حال ظهور مانند چین، در مناطق خلیج فارس و آسیای مرکزی به وجود آمده، تاکید می کند که رهبران چین باید مانند یک سهامدار مسئول به تعهدات خود پای بند باشند و با آمریکا در پیشبرد نظام بین المللی که تاکنون موجب موفقیت آنها شده است، همکاری کنند.



### دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا تا آخر سال ۲۰۰۴ و پس از پذیرش تقاضای عضویت ۱۰ کشور اروپای مرکزی و شرقی مجموعاً ۶۴ درصد از انرژی مصرفی خود را از طریق دو منبع نفت و گاز تامین می نمود این اتحادیه تقریباً ۱۷ درصد مصرف جهانی انرژی را در اختیار دارد که ۸۰ درصد از این میزان مربوط به سوخت های فسیلی است. اتحادیه اروپا ۵۰ درصد از نیاز مصرفی خود را که عمدتاً سوخت های فسیلی نفت و گاز هستند، وارد می نماید. براساس پیش بینی های مندرج در «سند سبز» کمیسیون اروپا مصوب سال ۲۰۰۶، تا سال ۲۰۳۰ نیاز وارداتی اتحادیه اروپا به انرژی های فسیلی از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش خواهد کرد. در چرخه انرژی مصرفی اتحادیه، نفت ۴۰ درصد و گاز طبیعی ۲۴ درصد نیاز مصرفی اتحادیه را تشکیل می دهند. هم اکنون این اتحادیه ۷۶ درصد نفت و ۵۰ درصد گاز طبیعی خود را وارد می نماید. براساس پیش بینی های به عمل آمده توسط کمیسیون اروپا تا سال ۲۰۳۰، نفت وارداتی اتحادیه از ۷۶ درصد به ۹۰ درصد و گاز طبیعی وارداتی از ۵۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت.

- بر این اساس پیش بینی شده است که در طول سه دهه آینده، تولید انرژی اتحادیه اروپا ۱۷ درصد کاهش خواهد داشت. کاهش ذخایر داخلی انرژی اروپا در شرایطی صورت می پذیرد که انرژی وارداتی اتحادیه اروپا در طول این سه دهه ۱۵ درصد رشد خواهد داشت. از این میزان، وابستگی خارجی اتحادیه به نفت ۹۰ درصد و گاز طبیعی به ۸۰ درصد خواهد رسید
- واردات اتحادیه اروپا در زمینه انرژی نفت و گاز عمدتاً بر روسیه و خاورمیانه متکی است. این دو منطقه مجموعاً ۷۰ درصد عرضه جهانی نفت و گاز را در اختیار دارند. اتحادیه اروپا بزرگترین واردکننده نفت و محصولات وابسته به آن می باشد

برای اتحادیه اروپا، مفهوم امنیت انرژی، تابع تعریفی است که کمیسیون اتحادیه اروپا ارائه داده است: « تضمین تامین پایدار نیازهای اساسی انرژی از طریق منابع داخلی و خارجی به روشی مقرون به صرفه». اتحادیه اروپا در دو سند سبزی که در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ و در استراتژی انرژی اروپایی خود در سال ۲۰۰۷ ارائه داد، دسترسی مطمئن، پایدار و مقرون به صرفه انرژی را منوط به تحقق سه هدف اعلام نمود:

الف) تنوع بخشی کشورهای عرضه کننده انرژی؛

ب) تنوع بخشی منابع انرژی؛

ج) بهره گیری فزاینده از انرژی های جایگزین و تجدید شونده.

تمرکز اتحادیه اروپا در امنیت انرژی خود بر کاهش وابستگی خود به واردات گاز از روسیه معطوف می باشد، چرا که این اتحادیه هم اکنون نزدیک به ۳۰ درصد از گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می کند و براساس پیش بینی های به عمل آمده توسط کمیسیون اروپا، این میزان تا ۵۰ درصد در افق ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت.

اقدامات امنیت انرژی اتحادیه اروپا با تصویب سیاست انرژی اروپای در چارچوب «سند سبز» در نشست شورای اروپا ( اکتبر ۲۰۰۵) در لندن به نتیجه رسید. این سند در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «سند سبز انرژی اتحادیه» و به عنوان مبنای استراتژی اروپا برای تامین انرژی پایدار رقابتی و امن توسط کمیسیون اروپا منتشر گردید. سیاست های مندرج در سند انرژی در حال تغییر عبارتند از: تولید حداقل ۱۰ درصد کل مصرف انرژی اتحادیه اروپایی از سوخت های گیاهی تا سال ۲۰۲۰، ارتقای بهره وری انرژی به میزان ۲۰ درصد تا سال ۲۰۲۰، تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی و امنیت و ثبات عرضه آن، و تولید حداقل ۲۰ درصد کل مصرف انرژی از انرژی های تجدید پذیر تا سال ۲۰۲۰. این سند وظایف کشورهای اروپایی را در حوزه های مختلف انرژی در داخل و خارج از اتحادیه مشخص می کند و نشانه بارز اهمیت امنیت انرژی برای اعضای اتحادیه است.

در مجموع کشورهای اروپایی علاوه بر پیوندهای تاریخی هویتی، دارای مراودات عظیم و گسترده اقتصادی، تجاری، علمی (تکنولوژیک و اجتماعی)، فرهنگی و پیوستگی جغرافیایی با ایالات متحده آمریکا می باشند.

اتحادیه اروپا برای تضمین امنیت انرژی مورد نیاز خود در آینده، از روش چند جانبه گرایی، همکاری در ایجاد ساختارهای بین المللی و همکاری های دو جانبه و چند جانبه استفاده می کند. افزایش فزاینده نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و مشکلات ایجاد شده در روابط انرژی روسیه با اتحادیه در سال های اخیر، لزوم تنوع بخشی به منابع تامین انرژی را مورد توجه تصمیم گیران قرار داده است



### دیپلماسی انرژی چین

مصرف شدیداً رو به تزاید انرژی چین و اجبار به تامین آن از منابع خارجی از یک سو و نگرانی های جدی این کشور پیرامون «امنیت انرژی» باعث شده تا چین استراتژی متنوع سازی منابع انرژی را در دستور کار خود قرار دهد. بر مبنای این استراتژی، چین تقریباً در سراسر جهان در جست و جوی منابع انرژی برآمده است. خلیج فارس، آفریقا، روسیه و آسیای مرکزی کانون های اصلی اعمال این استراتژی به شمار می آیند.

سیاست های انرژی چین به عنوان یک قدرت در حال خیزش در سطح جهانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. افزایش وابستگی به نفت وارداتی، احساس رو به تزاید «ناامنی در حوزه انرژی» را در میان رهبران چین برانگیخته است. آنان نگرانند که اخلال در عرضه نفت و یا افزایش بسیار زیاد قیمت آن، تداوم توسعه اقتصادی کشور را به خطر

اندازد



در این راستا چین ها یک استراتژی سه وجهی را در منطقه خلیج فارس دنبال می کنند که وجوه آن عبارتند از:

به کارگیری دیپلماسی فعال برای برقراری اتصالات زیر بنایی با کشورهای دارنده انرژی برای تضمین عرضه دراز مدت این ماده. اعلامیه مشارکت استراتژیک نفتی چین و عربستان در سال ۱۹۹۹ را می توان به عنوان یکی از نتایج این دیپلماسی دانست.

فراهم آوردن شرایط لازم برای حضور شرکت های نفتی چینی در سرمایه گذاری و توسعه میادین نفتی منطقه.

تشویق سرمایه گذاری متقابل شرکت های نفتی کشورهای خاورمیانه در بخش های پالایشگاهی و بازار انرژی چین

### دیپلماسی انرژی روسیه

روسیه به لحاظ برخورداری از منابع انرژی در یک وضعیت کاملاً ممتاز جهانی قرار دارد. این کشور بیش از ۳۰ درصد ذخایر گاز، ۱۰ درصد ذخایر نفت، ۲۰ درصد ذخایر ذغال سنگ و ۱۴ درصد ذخایر اورانیوم جهانی را دارا می باشد. روسیه تقریباً یک پنجم ذخایر جهانی انرژی (چهار سوخت برتر یاد شده) و یک چهارم منابع نفت و گاز جهان را دارا می باشد

روسیه به عنوان دومین کشور تولید کننده و صادر کننده نفت، یکی از بازیگران اصلی در بازار جهانی نفت محسوب می شود. صنعت نفت سهمی اساسی در تولید ناخالص ملی روسیه و تولید درآمدهای خصوصی و دولتی این کشور دارد. با توجه این، از ابتدای دهه ۱۹۹۰، تولید نفت خام روسیه با نوسانات زیادی مواجه شده است

روسیه در فرایند تولید و صادرات گاز طبیعی به شکل چشمگیری نسبت به سایر رقبا پیشتاز است. این کشور ۲۲ درصد تولید جهانی گاز را در اختیار دارد و اگر چه مصرف داخلی گاز این کشور ۳/۱۵ درصد می باشد (و از این لحاظ پس از ایالات متحده آمریکا در رتبه دوم کشورهای مصرف کننده قرار دارد)، پتانسیل صادراتی آن از سایر کشورها و مناطق صادر کننده گاز طبیعی در جهان، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین بسیار فراتر می رود.

امنیت انرژی در سند استراتژی انرژی روسیه در سال ۲۰۰۳، چنین تعریف شده است:

« حمایت از کشور، شهروندان، جامعه، دولت و اقتصادی ملی در برابر تهدیداتی که تامین و عرضه سوخت های فسیلی را به مخاطره می اندازد». در استراتژی انرژی روسیه، امنیت انرژی به سه پایه استوار است:

الف) توان بخشی انرژی در تامین تقاضاهای داخلی و خارجی؛

ب) قابلیت مصرف کننده در استفاده بهینه از انرژی؛

ج) ثبات بخشی انرژی در برابر تهدیدات اقتصادی، فنی و طبیعی داخلی و خارجی.



تمرکز روسیه در زمینه امنیت انرژی بر توسعه حوزه های نفت و گاز از طریق جلب مشارکت سرمایه گذاران خارجی بدون از دست دادن کنترل و نظارت خود در این زمینه معطوف می باشد. اهمیت این مسئله ناشی از این امر است که براساس آمارهای آژانس بین المللی انرژی، روسیه برای توسعه صنعت گاز خود سالانه به ۱۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد، رقمی که لزوماً تضمینی برای تامین آن وجود ندارد.

روسیه هر چند در پی احیای منافع خود در منطقه اوراسیا در رقابت با آمریکا و غرب در مسائل قفقاز و آسیای مرکزی است، اما در حوزه انرژی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به صورت جدی در صدد جلب سرمایه گذاری شرکت های بزرگ نفتی غرب بوده است تا بدین وسیله بتواند از سرمایه، فن آوری و مدیریت آنها برای افزایش تولید نفت و گاز خود استفاده نماید.



## دیپلماسی برای انرژی یا انرژی برای دیپلماسی؟



○ در آسیب شناسی اولیه از دیپلماسی انرژی ایران انکار ناپذیرترین عارضه مشهود شکاف عمیق فی مابین دو رکن اساسی و دو دستگاه اجرایی مسئول این امر است؛ وزارت نفت و وزارت امور خارجه

○ شایعترین نقد دیپلماتهای وزارت امور خارجه به دستگاه مدیریت نفت به عنوان بزرگترین رکن اقتصاد کشور، تخصصی بودن صرف این دستگاه در امر صنعت و ضعف توان دیپلماتیک در آن است

○ شایعترین نقد مدیران وزارت نفت به دستگاه دیپلماسی کشور نیز تکنوکرات بودن دیپلماتها و نبود اشراف بر ظرائف بازار نفت و نکات فنی این صنعت بزرگ است



### از یک طرف

بدیهی است که انرژی یکی از مهمترین ابزارهای قدرت برای چانه زنی ایران در سیاست خارجی می باشد

### و از طرف دیگر

سطح روابط بین المللی و میزان برش دیپلماتیک ایران با سایر کشورها اصلی ترین عامل موفقیت تجارت انرژی ایران می باشد.

اما آنچه در این میان با اهمیت تر است **بقاء نظام و حفظ و ارتقای منافع ملی کشور است.** وجه مشترک موارد فوق این است:

**هرگونه حداکثر سازی توان انرژی کشور بعنوان ابزار قدرت و حداکثر سازی توان دیپلماسی کشور بصورت هم افزا منجر به حداکثر شدن امنیت و منافع ملی خواهد شد.**

**دیپلماسی انرژی برنامه ای است راهبردی، جامع و کارآمد که**

**تعاملات بین المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون**

**نموده و چارچوب کلی توافقات را به نحوی روشن می کند که**

**امنیت و منافع ملی به بالاترین سطح خود برسد.**

## سند ملی دیپلماسی انرژی



- از منظر منافع ملی ایران ، آنچه مهم می‌باشد این است که اولاً امنیت انرژی در آینده جایگاهی ویژه در دستور کار امنیت بین‌المللی خواهد داشت و ثانیاً آسیای در حال توسعه به خصوص چین و هند در آینده به مصرف‌کنندگان عمده انرژی با حجم نیازهای بسیار گسترده تبدیل خواهند شد. در این میان، اگر چه هند با تاخیر و رشدی کند تر نسبت به چین ، توسعه را به پیش می‌راند، اما پتانسیل‌های گسترده و نیز تداوم رشد سریع اقتصادی آن ، نیاز به انرژی را به گونه‌ای تصاعدی برای آن به همراه خواهد داشت.
- ایران با برخورداری از جایگاهی ممتاز در عرصه انرژی و نیز قرابت جغرافیایی با هند ، قادر به تامین بخش قابل توجهی از نیازهای این کشور است . برنامه ریزی جهت تحقق این قابلیت ، نیازمند نگاهی فراتر از نگاه فنی و اقتصادی به این موضوع است.
- نکته حائز اهمیت این است که مانند هر سند ملی دیگر، پیش نیاز تدوین سند ملی دیپلماسی انرژی کشور دستیابی به استراتژی انرژی کشور است و برای دستیابی به استراتژی انرژی یک کشور نیز داشتن استراتژی امنیت ملی پیش شرط اصلی می‌باشد. هرگونه اقدام در راستای تدوین سند ملی دیپلماسی انرژی نیازمند و یا منجر به ایجاد استراتژی امنیت ملی و استراتژی انرژی کشور خواهد شد.



- ابتدای دیپلماسی انرژی حوزه نفت و گاز کشور بر اسناد بالادستی فارغ از ابتدا بر امکانات سرزمینی، موقعیت سرزمینی، قابلیت های محیطی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و ژئوانرژیکی است. به همین دلیل، دیپلماسی انرژی با نگاهی الزامی و نه ساختاری در ارتباط تنگاتنگ با دیپلماسی اقتصادی - تجاری کشور بوده و با هدف استفاده حداکثری از موقعیت سرزمینی کشور تدوین می شود.
- از دیدگاه ژئوپولیتیکی با استفاده از موقعیت سرزمینی ایران می تواند در رقابت با پتانسیل های همسایگان برای بازارهای مصرف به ویژه اتحادیه اروپا تبدیل به هاب انرژی منطقه و دالان انتقال آن باشد.
- ایران با چالش های زیادی در زمینه دیپلماسی انرژی روبرو است. لذا در وهله اول باید چالش ها و مسائل و بالتبع امکانات موجود شفاف شوند. الگوهای کنونی مصرف انرژی در ایران یکی از چالش های اساسی است. با طرح نوعی دیپلماسی انرژی مشخص می بایست جایگزین های انرژی دیگری برای آینده انرژی در ایران ترسیم شود تا در برداشت از منابع هیدروکربوری این کشور تا حد قابل توجهی صرفه جویی ایجاد شود.

- برای یک دیپلماسی انرژی موفق، ایران باید به یک آسیب شناسی کلی دست بزند و معایب و کاستی های داخلی صنعت نفت و گاز در کشور را شناسایی نموده و پیرو آن به ناکارآمدی و معایب سیاست های بین المللی انرژی محور خود پردازد. دیپلماسی انرژی سنتی در ایران بیشتر متمرکز بر تامین نیاز داخلی و افزایش تولید گاز طبیعی بوده است. اما باید توجه داشت که افزایش تولید گاز طبیعی تنها زمانی معنی دار است که در چارچوب یک دیپلماسی انرژی کلی و همه جانبه تعریف شود. در کوتاه مدت، چنین سیاستی باید هم شامل صرفه جویی انرژی و هم جایگزین کردن منابع انرژی تجدید پذیر باشد. در بلندمدت نیز این سیاست می تواند منجر به انتقال کامل تامین انرژی از منابع فسیلی به منابع و تکنولوژی انرژی های تجدیدپذیر شود.
- با پایان یافتن دوره انرژی های آسان و قرار گرفتن در دوره انرژی های صعب الوصول، عناصری چون تکنولوژی های برتر و نیروی انسانی ماهر بیش از پیش نمود می یابند که به نظر می رسد در دیپلماسی انرژی نوین ایران، سناریوهای دستیابی به این عناصر باید به دقت طراحی شود.

## ماژولهای دیپلماسی انرژی کشور

✓ بخش نفت و گاز

✓ بخش آب و برق و ..

✓ بخش انرژی اتمی

✓ بخش انرژیهای نوین و تجدید پذیر



## چالشهای کلان دیپلماسی انرژی در حوزه نفت و گاز و تحلیل SWOT



- ❖ بررسی سیاست خارجی کشور ما در حوزه انرژی نشان از فقدان یک دیپلماسی جامع و کارآمد دارد. این امر باعث شده است که از مسائل بلند مدت (راهبردی) غفلت شود.
- ❖ -عدم تناسب منافع و هزینه ها در برخی پروژه های بزرگ
- ❖ کم رنگ شدن نقش ایران در مقایسه با برخی اعضای موثر اوپک
- ❖ از دست دادن فرصتهای و موقعیتهای نهادی مجمع کشورهای صادر کننده گاز یا اوپک گازی علیرغم ابتکار عمل ایران در بنیانگذاری آن
- ❖ ابهام در تعیین بازارهای هدف و حضور ضعیف در بازارهای جذابی چون اروپا
- ❖ عدم بهره برداری مناسب از موقعیت جغرافیایی کشور برای بالا بردن حجم تبادل نفت و فراورده های آن (از آسیای مرکزی به دریای عمان)
- ❖ حضور ضعیف در برخی طرح های مشترک بین المللی
- ❖ عدم استفاده از فرصت بوجود آمده برای صادرات گاز به اروپا (مناقشات اوکراین و روسیه)

## تحلیل SWOT

### فرصتها

- رشد شدید نیاز جهانی به گاز طبیعی
- نیاز جهان به تنوع بخشی به مبادی وارداتی گاز طبیعی که می تواند سبب توجه سرمایه گذاران خارجی به ایران در جهت توسعه میادین گازی شود.
- موقعیت ممتاز جغرافیایی کشورمان می تواند بازارهای متعددی را برای ایران رقم بزند.
- ترانزیت برق و نفت آسیای میانه به کشورهای حاشیه خلیج فارس و آب های آزاد ، صادرات زغال سنگ فراوری شده و یابرق حاصل از آن، دسترسی به دریای کاسپین و منابع نفت و گاز آن و امکان تبادل (سوآپ) آن ها از طریق آب های آزاد و جنوب کشور و اقدام رشد مصرف انرژی در چین و هند، از جمله فرصت هایی است که می توان آن ها را ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران دانست.

## تهدیدها

- فشارهای سیاسی، تحریم ها ، حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه
- بحران خیز بودن منطقه خلیج فارس که سبب بی ثباتی قیمت های نفت می شود. این عامل خود می تواند سبب اختلال در برنامه ریزی ها شود ، چرا که اساس بسیاری از این برنامه ریزی ها در کشور بر مبنای کسب درآمدهای نفتی است.
- برداشت سریع کشورهای همسایه از منابع نفت و گاز مشترک
- مصرف داخلی فزاینده که تهدید کننده صادرات نفت و گاز است.
- حضور رقیبان قدرتمند در بازارهای مد نظر ایران ،مانند حضور روسیه در اروپا و آسیای میانه و تا حدی شرق دور و نیز برنامه های قطر برای فروش LNG به شرق دور و گاز به کشورهای حاشیه خلیج فارس.



## ضعف ها

- نیاز به فناوری و ضعف تکنولوژیک صنایع انرژی به ویژه نفت
- ارتباط ضعیف با کشورهای صاحب تکنولوژی
- کمبود منابع مالی جهت اجرای پروژه های انرژی در کشور
- دولتی بودن صنایع حوزه انرژی (نفت، گاز و برق)، حضور ضعیف بخش خصوصی و چالش های موجود در راه خصوصی سازی
- ارتباط ضعیف شبکه تبادل انرژی با همسایگان
- عدم سیاستگذاری اقتصادی سیاسی با ارزیابی دقیق شرایط زمانی و واقعیات موجود که مانع همکاری های منطقه ای و بین المللی شده است.
- نگاه در آمدی به انرژی که مانع از بوجود آمدن نگاه سرمایه ای شده است



### قوتها

- بر خور داری کشور از منابع غنی نفتی و گاز و نیز ظرفیت مناسب جهت تولید برق در کشور.
- موقعیت مناسب کشور در اوپک و حضور موثر در تشکیل مجمع کشورهای صادر کننده گاز.
- بر خور داری از نیروی انسانی کافی، مستعد، متخصص و جوان.
- موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران به دلیل بر خور داری از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آب‌های بین المللی و قابلیت ایجاد اسکله ها و بنادر صادراتی
- ورود به حوزه های فناوری برتر، نظیر فناوری اطلاعات (IT) بیوتکنولوژی (BT) نانوتکنولوژی (NT) و انرژی هسته‌ای
- وجود زیر ساخت های شبکه حمل و نقلی و ظرفیت های تامین انرژی از جمله برق، گاز و شبکه های انتقال.



انتظارات وزارت نفت  
از همکاران وزارت امور خارجه



- ✓ آشنایی و شناخت کافی از توانمندیهای صنعت نفت کشور
- ✓ آشنایی و شناخت کافی از توانمندیهای بخش انرژی در حوزه ماموریت
- ✓ تسهیل ارتباط موثر بین فعالان بخش انرژی حوزه ماموریت با همتایان ایرانی
- ✓ برگزاری سمینارها و اجلاسها در حوزه ماموریت با استفاده از نمایندگیها و کارشناسان صنعت
- ✓ شناسایی بازارهای هدف و کمک به ارتباط طرفین
- ✓ ارتباط هدفمند و موثر با واحدهای مرتبط صنعت نفت
- ✓ تشویق بخش خصوصی حوزه ماموریت ابتدا به شناسایی صنعت نفت ایران و بعد ترغیب به حضور در ایران
- ✓ شناسایی منابع و مراکز فن آوریهای مرتبط با صنعت نفت و گاز در حوزه ماموریت و برنامه ریزی برای انتقال تکنولوژی

- ✓ شناسایی منابع انسانی ماهر بخش انرژی حوزه ماموریت برای تبادل نیروی انسانی فنی بین دو کشور
- ✓ شناسایی کانونهای تصمیم ساز و تصمیم گیر پنهان و آشکار بین المللی در حوزه نفت و گاز
- ✓ پایش تحولات بخش انرژی حوزه ماموریت و انعکاس آن به صنعت نفت
- ✓ ایجاد مکانیزم هوشمند و هدفمند ارتباط بین سفرای ایران در حوزه ماموریت و سفیران حوزه ماموریت در ایران بویژه در بخش انرژی

با تشکر از توجه شما

